

مطالعه تطبیقی تصاویر پیکرنگاری نظامی در دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار^۱

الهه پنجه باشی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

از صفحه ۱۱۳ تا ۱۴۴

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی

سال هشتم، شماره بیست و نهم، تابستان ۱۴۰۰

چکیده

در دوره قاجار، قدرت در مرکز توجه نقاشی‌های پیکرنگاری درباری قرار گرفته است. یکی از موضوعات رسمی نقاشی درباری برای نشان دادن قدرت شاه قاجار، نقاشی‌های نظامی است که به عنوان سندی تاریخی دارای اطلاعات ارزنده‌ای می‌باشد. این نوع نقاشی در دوره فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار توسط دربار به نقاشان سفارش داده شده است. در نقاشی‌های نظامی در دوره فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه، شاه و ولیعهد در بازدید نظامی از صحنه‌های جنگ دیده می‌شوند. این نوع نقاشی‌های نظامی از موضوعات رسمی دربار بوده و در دوره اول قاجار به علت جنگ‌های ایران و روس از واقعیت تاریخی برخوردار است. با توجه به اهمیت نقاشی نظامی در دوران قاجار به عنوان سندی نظامی و تصویری از این دوران، هدف از این مطالعه بررسی نقاشی‌های نظامی و ویژگی‌های آن و شباهت و تفاوت آن می‌باشد. روش پژوهش حاضر کیفی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای است و به تحلیل مفروض پژوهش می‌پردازد. نتایج یافته‌های پژوهش حاکی از آن است این نوع نقاشی نوعی از نقاشی رسمی و پیکرنگاری درباری بوده که به عنوان سند تاریخی برای ثبت وقایع در دوران اول و برای نمایش قدرت در دوران دوم به کار می‌رفته است. حضور ولیعهد در تصاویر نظامی هر دو دوره بر مشروعیت فرد دوم سلطنت تأکید دارد.

کلید واژه‌ها:

قاجار، نقاشی نظامی، جنگ، فتحعلی شاه، ناصرالدین‌شاه.

۱- این مقاله حاصل هسته پژوهشی با عنوان مطالعه هنر پیکره نگاری دوره قاجار تصویب شده در دانشگاه الزهرا است.

۲- عضو هیئت علمی گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا س، تهران، ایران پست الکترونیک: e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

مقدمه

ارتش ایران در دوران قاجار دارای ساختاری سنتی بوده و ادامه دهنده روند نظامی و ساختار ارتش در دوران صفوی و نادری می‌باشد. در دوران فتحعلی شاه و ولیعهدی عباس میرزا پس از نبرد با روس و شکست‌های متعدد، دگرگونی‌هایی در روند بازسازی و نوسازی ارتش شروع شد و ارتش قاجار، تحت آموزش اروپاییان قرار گرفت. در دوران ناصرلی نیز این روند با درایت امیرکبیر ادامه یافت. در این دوره یکی از ابزارهای نمایش قدرت، نشان دادن شاه در تصاویر نظامی است. به بیان دیگر در دوران قاجار شاهد نقاشی‌های نظامی هستیم که نمودی از قدرت شاه در این دوران است. ارتش ایران در دوران قاجار به‌خصوص در زمان فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه، در ساختار و تجهیزات نوین شدن به صورت تغییرات اساسی را پشت سر گذاشت و در نقاشی‌هایی با لباس‌های اروپایی، نظامیان و آموزش توسط آنان که در سندهای نقاشی نظامی دیده می‌شود، نوعی از نوسازی به سبک غربی و دستاوردهای مهم آن دوران تلقی می‌شد که مورد نمایش قرار گرفته است. مسئله اصلی در این پژوهش مطالعه نقاشی نظامی در این دو دوره، ویژگی‌های تصویر، حضور شاه و ولیعهد در نقاشی‌های دو دوره می‌باشد. در این پژوهش مشخص می‌شود نقاشی نظامی در ایران دوره قاجار حائز اهمیت بوده و از آن به عنوان سند تاریخی در دوره اول و نمایش قدرت در هر دو دوره و بیشتر در دوره دوم استفاده می‌شود. لباس سربازان، آموزش خارجی، حضور شاه و ولیعهد در نقاشی‌ها حائز اهمیت است. دغدغه اصلی در این پژوهش به این موضوع بازمی‌گردد که در اکثر پژوهش‌های تاریخی تنها به تاریخ جنگ‌ها و اصلاحات نظامی در دوره اول عباس میرزا اشاره شده است و این اصلاحات در دوره دوم به دست امیرکبیر و سپهسالار ادامه می‌یابد. نقاشی‌های نظامی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرد و تاکنون به صورت مستقل مطالعه نشده است پل ارتباطی بین این نوشتارهای تاریخی و سندهای نقاشی نظامی در دوره قاجار است که این

اصلاحات و نوآوری و آموزش‌های نظامی را به صورت بصری منعکس می‌کند. در هر دو دوره، نقاشی نظامی متأثر از اصلاحات نظامی نوینی است که در ارتش و قوای نظامی ایران اتفاق افتاده است و در نقاشی‌ها، سربازان و آموزش آنان توسط نیروهای مستشاری اروپاییان و غیره دیده می‌شود. اهمیت نوشتار حاضر به این جهت است که با بررسی ساختار نقاشی‌های نظامی در دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه و مطالعه تأثیر این نوع نقاشی از اتفاقات تاریخی مانند جنگ ایران و روسیه در دوره اول قاجار، ساختار نظامی ارتش ایران مورد توجه قرار بگیرد. نقاشی نظامی قاجار، در تاریخ نظامی ایران تاکنون به طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است و این پژوهش ما را با ارتش این دوران، ادوات جنگی، آرایش لباس سربازان و موارد دیگر آشنا می‌کند. سؤالات پژوهش به این شرح است: تصاویر نظامی در دوران فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار چه ویژگی‌های بصری دارد؟ شباهت و تفاوت نقاشی نظامی در دوران فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه در چیست؟

فرضیه پژوهش

پژوهش حاضر در پی تایید این فرضیه است که شاهان قاجار برای حفظ قدرت خود و برقراری نظم و امنیت، به مسائل نظامی و نمایش قدرت شاه و ولیعهد در تصاویر توجه نشان داده و آن را در نقاشی نظامی تأکید می‌کرده‌اند.

پیشینه پژوهش: مطالعه نقاشی نظامی در دوران قاجار به عنوان سندی با اهمیت تاریخی است که به نمایش ارتش ایران، سربازان و آموزش آنان می‌پردازد. در این راستا از پژوهش‌های تاریخی و هنری برای این پژوهش به صورت توأمان استفاده شده است. به دلیل ویژگی میان‌رشته‌ای این پژوهش، پیشینه می‌تواند بسیار وسیع بوده و طیف گسترده‌ای از مطالعات در زمینه تاریخی، تاریخ نظامی و هنر نقاشی دوران قاجار را شامل شود. ارتش ایران در دوره قاجار به سمت مدرن شدن و به سمت داشتن دیسیپلین نوین نظامی می‌رفت. ارتش ایران در دوره قاجار به عنوان یک نهاد دارای فناوری نوین، ساختار نظامی جدیدی شد که در نوشتارهای تاریخی افرادی چون باباپور و

یوسف زاده (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «رساله‌ای تاریخی در باب آداب جنگ و مشق نظام» را در دوره قاجار مورد بررسی قرار داده‌اند. خانی‌زاده (۱۳۸۸) در مقاله خود اسناد نظامی دوران قاجار را در مرکز اسناد آستان قدس مورد بررسی قرار داده است. رضاقلی (۱۳۸۲) در کتاب خود، سپهر (۱۳۷۷)، سینایی (۱۳۸۴) در کتب خود ارزش قوای نظامی ایران در دوره قاجار را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش‌ها نوسازی ارتش ایران در دوره عباس میرزا و اصلاحات او در این زمینه بررسی شده و در دوره اول با مرگ او متوقف شده و در دوره ناصری به دست امیرکبیر و سپهسالار و امین‌الدوله ادامه می‌یابد. ولی این اصلاحات تنها به صورت تاریخی بررسی شده و در نقاشی‌های نظامی که در این پژوهش مطالعه می‌شود. این اصلاحات و وقایع به صورت تصویری و آموزش سربازان دیده می‌شود. در بیشتر پژوهش‌های ذکر شده به جنگ و تاریخ نظامی ایران پرداخته شده است و در هیچ یک از پژوهش‌های هنری و مطالعات نقاشی این دوره، نقاشی‌های نظامی مورد بررسی مستقل قرار نگرفته است و در نوشتارهای تاریخی نیز به تصاویر نقاشی این دوران اشاره‌ای نشده است. این پژوهش بر آن است که با توجه به مطالعات تاریخی این دوران در زمینه نظامی و مطالعات هنری به ارتباط این موضوع بین نقاشی‌ها و تاریخ نظامی این دوران بپردازد و نقاشی‌های نظامی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

روش پژوهش: این پژوهش، مطالعه‌ای با رویکرد تاریخی و با تأکید بر نقاشی نظامی دوران قاجار است؛ بنابراین برای تحلیل و فهم نقاشی‌های نظامی این دوران، تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از بانک‌های اطلاعاتی به صورت کیفی صورت گرفته است و به روش تاریخی — تطبیقی بوده و به موضوع جنگ در هر دو دوره و شباهت و تفاوت‌های آن می‌پردازد. جامعه آماری، تصاویر نظامی در هر دو دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار می‌باشد که در دوران ابتدایی بیشتر در موزه‌های روسیه قرار دارد. در این پژوهش آثار نقاشی نظامی دوره قاجار مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش تجزیه و تحلیل این پژوهش کیفی و از نوع استنباطی است، بدین منظور ابتدا ساختار نقاشی نظامی دو دوره تحلیل بصری شده و مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

نقاشی درباری در دوران قاجار

دوره قاجار دوره رویارویی سنت و مدرنیته در ایران است. هنر این دوران ارتباط نزدیکی با سیاست داشته و شواهد تاریخی این دوران نمایانگر گونه‌های مختلف هنر به عنوان ابزاری در خدمت سیاست است. حمایت از هنر، علایق و منافع سیاسی صاحبان قدرت در این دوران و بهره‌برداری ابزاری را می‌توان در هنر این دوران مشاهده کرد (علی‌زاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۵: ۷۶). آثار هنری به جای مانده از دوره قاجار از نظر شیوه، اجرا و درک مفهوم زیبایی‌شناسی موجودیتی نوین به هنر نقاشی ایران داده است. از سده یازدهم ق به دلیل برخورد ایران با فرهنگ و تمدن غرب، به‌کارگیری رنگ و روغن روی بوم در بین هنرمندان ایرانی مرسوم شد. حضور اندیشه‌های هنرمندان، به مفهوم می‌بخشد که در دوره جدید غرب مطرح است به این موجودیت اعتبار می‌بخشد. اندیشه‌ای که از نظر صورت و مضمون و نوآوری، در عناصری چون صورت انسانی و پیکرتگاری در نقاشی تجلی می‌یابد. این اندیشه بر دید زیبایی‌شناسی و نگرش پویای هنرمندان نقاش دوره قاجار دلالت دارد (جعفری جلالی، ۱۳۸۲: ۲۳). نظام حکومتی ایران در دوره قاجار، نوعی هنرپروری متمرکز در دربار پدید آورد. شاهان و شاهزادگان مهم‌ترین سفارش‌دهندگان آثار هنری و نافذترین حامیان هنر بوده‌اند. نتایج این هنرپروری عبارت بود از: مشروط شدن رشد هنر به اوضاع سیاسی، تأثیر مستقیم سلیقه سفارش‌دهنده در تولید آثار، پیدایش سبک‌های رسمی و درباری با قوانین تصویری مشخص ثابت و مشکلات و محدودیت‌های هنرمندان وابسته به دربار.

در تاریخ نقاشی ایران آثار بی‌شماری وجود دارد که در آن‌ها شاه اهمیت محوری دارد، اما این صحنه‌های نقاشی درباری به‌ندرت به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شوند. در واقع هدف در این نقاشی‌ها نمایش شوکت شاهان بوده است (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۱). در نقاشی‌های این دوران، تأثیرپذیری از غرب در منظره‌سازی و پرسپکتیو در زمینه آثار به چشم می‌خورد و مقدار مختصری سایه‌روشن و سه‌بعدی نشان دادن که با روحیه ایرانی تلفیق شده است در آثار

دیده می‌شود (افشار مهاجر، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۱). افزودن برخی عناصر تزئینی به پیکره‌ها به‌ویژه در جواهرات نقاشی و بهره‌گیری از نقش و نگارها، فرنگی‌سازی، استفاده از رنگ‌های گرم، اجرای دورنماهای اروپایی در پس‌زمینه‌ها، تقارن ساختاری، جای‌گیری پیکره در وسط نقاشی، استفاده محدود از سایه‌روشن و حجم‌نمایی، سایه روشن‌های نرم و ملایم در چهره‌ها از ویژگی‌های نقاشی قاجار در این دوران است (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). یکی از اهداف اصلی مضامین سیاسی در هنر دوران قاجار به رخ کشیدن شکوه شاه بود. شاهان قاجار بیش از سلسله‌های گذشته در تلاش بودند تا در داخل و خارج از ایران قدرت و اهمیت خود را به‌وسیله ابزار هنر به رخ بکشند (فلور و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۰). در دوره اول قاجار فتحعلی شاه با استفاده از چهره‌نگاری و پیکرنگاری درباری برای تبلیغ حکومت اشتیاق وافری داشت. آگاهی او از ارزش تبلیغاتی هنر و قرار دادن نقاشی از خود در معرض دید عموم قدیمی‌تر از سلاطین عثمانی بود. نقاشان دربار وی همواره مشغول کشیدن تصاویری از شاه بودند (خلیلی، ۱۳۸۳: ۹۶). پیکرنگاری درباری از مهم‌ترین انواع نقاشی دوره قاجار بود که از همان آغاز شکل‌گیری این سلسله سهمی درخور پیشرفت در هنر نقاشی داشت. پیکرنگاری پل ارتباط بین شاه و جامعه بود. سلطنت فتحعلی شاه فضای جدیدی در چهره‌نگاری دوره قاجار گشود. دربار فتحعلی شاه را به سبب وجود نقاشان چهره‌نگار، دربار احیای هنر نامیده‌اند. احیای هنری در نقاشی‌های تمام‌قد از فتحعلی شاه و سایرین سهم مهمی در تحکیم قدرت قاجار در ایران بر عهده داشت. فتحعلی شاه برای پیشبرد تشکیلات حکومتی خود از نقاشی پیکرنگاری به عنوان ابزاری مناسب برای تبلیغ و ارتقای مقام سلطنتی آگاهانه استفاده کرد (آژند، ۱۳۹۲: ۸۰۳). لیلا دیبا در مقاله «تصویر قدرت و قدرت در تصویر» از جنبه‌های دیگر اهمیت این نقاشی‌های سلطنتی صحبت می‌کند. او ضمن اشاره به استفاده گسترده از این نقاشی‌ها که در مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی و کاربرد آن در سیاست خارجی و داخلی، ارتباط با قدرت‌های جهانی را حائز اهمیت می‌داند. تنها در دو دهه نخست حکومت فتحعلی شاه بیش از پانزده نقاشی تکی او به عنوان هدایای دیپلماتیک به انگلستان، روسیه،

هند، فرانسه فرستاده شد. این تصاویر هم‌زمان دلالت بر قدرت و ثروت شاه ایران داشتند: گرز سلطنتی و شمشیر معرف تهدید تلویحی بود و نشان‌ها و جواهرات گویای ثروت و تمکن (دل‌زنده، ۱۳۹۵: ۳۳). دومین مقطع سبک هنری قاجار بیشتر دوره تحکیم بود تا تکامل هنر، در نقاشی این دوره سبک و موضوع نقاشی به علت ارتباط با اروپا تغییر کرد. ویژگی اصلی پیکره‌نگاری‌های این دوره بعدگرایی بیشتری از دوره قبل بود. در ابتدای دوره دوم ناصری، قاجار تقلید آگاهانه و در دوره دوم ناصری، قاجار غرب‌گرایی بی‌هویت بود. علاقه شاه و دربار به هنر اروپایی تأثیر اصلی خود را بر هنر پیکرنگاری درباری برجای گذاشت و در این دوره تمایل به شبیه‌سازی بیشتر شد، حجم پیکره بیشتر در بدن مشخص شد و از آرمان‌گرایی انتزاعی دوره ابتدایی قاجار فاصله گرفت. پرسپکتیو در دوره ابتدایی کمتر و در دوره دوم ناصری بیشتر مدنظر هنرمندان قاجار قرار گرفت. استفاده از دورنماسازی در پس‌زمینه، بهره‌گیری افراطی از عناصر تزئینی و استفاده از اشیای زندگی معاصر از ویژگی‌های این نوع نقاشی‌ها است (پنجه‌باشی، ۱۳۹۶: ۵۱۷). به انسان و شبیه‌سازی و چهره‌پردازی ناتورالیستی توجه بیشتری شد. سترگ‌نمایی و شوکت‌سازی از ویژگی‌های پیکره‌نگاری بود و در آن به علم پرسپکتیو توجه درخوری شد و در رنگ‌بندی از رنگ مایه‌های گرم استفاده می‌شد و رقم زنی آثار نقاشی عمومیت یافت و اغلب آثار دارای رقم شد (آژند، ۱۳۹۲، ج ۲: ۸۲۳). ایرانیان دوران ناصری معیارهای زیبایی‌شناسی تجربه شده در دوره‌های قبل و مواردی از شیوه خارجی را که به مذاقشان خوش می‌آمد؛ انتخاب و آن را در سنت خود ادغام کردند. در دستان هنرمندان صاحب‌ذوق قاجار، تلفیق شیوه‌های کهنه و نو منجر به شیوه نقاشی متمایزی شد که به‌طور کامل ایرانی بود (کن‌بای، ۱۳۸۲: ۱۲۶). هنرمندان قاجاری با دور شدن از سنت‌های نقاشی دوره‌های قبل و تأثیرپذیری از آثار اروپایی، نوعی از نقاشی را به وجود آوردند که بخش زیادی از آن‌ها نقاشی‌های با اندازه بزرگ و با تکنیک رنگ و روغن روی بوم بود. هنرمندان قاجاری در وام‌گیری از برخی از ویژگی‌های چهره‌پردازی درباری اروپایی با اقتباس برخی جزئیات، حالت‌ها و قراردادهای مهارت داشتند (کشمیر

شکن، ۱۳۹۶: ۳۱). نقاشی نظامی درباری در دوره قاجار را می‌توان نوعی از نقاشی پیکرنگاری درباری دانست که در همه این دوران دیده می‌شود و نمادی از نمایش قدرت نظامی و ابزاری برای سیاست خارجی این دوران می‌باشد.

ارتش ایران در دوران فتحعلی شاه قاجار

در طول تاریخ، ارتش و قوای نظامی یک کشور همیشه در مقام نیروی دفاعی و یک عامل بازدارنده در برابر تهاجمات خارجی بوده است. هر زمان این قوا از قدرت و توانمندی بالایی برخوردار بود، استقلال آن کشور در عرصه جهانی نیز مشهودتر بوده است. این مسئله می‌توانست نتیجه عکس نیز داشته باشد؛ یعنی با ضعف و ازهم‌گسیختگی این قوا، زمینه دخالت دول استعمارگر در آن کشور مهیا می‌شد. امروزه تنها منبعی که می‌تواند این سیر قدرت و ضعف را برای نسل امروز و آینده به صورت شفاف بازگو نماید، اسناد هستند؛ به جهت اینکه در بطن حوادث روزگار خود تولید شده‌اند و هر برگ آن شاهد و گواهی از دوران خود می‌باشد (خانی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲). ساختار نظامی ایران در دوره قاجار به خصوص در دوره نخست آن در مرحله بسیار ابتدایی قرار داشت و هنوز فن‌آوری و دانش نظامی جدید به آن راه نیافته بود. در این زمان نیروی نظامی کارآمد و سازمان صحیح نظامی بود. پایه و اساس ساختار سنتی ارتش قاجار از سه قسمت سواره‌نظام، پیاده‌نظام و توپخانه و زنبورک‌خانه تشکیل می‌شد و خبری از نیروی دریایی نبود. در این برهه از زمان ایران فاقد ارتش دائمی و حرفه‌ای بود به طوری که نیروهای جنگی فقط در مواقع جنگ و بروز خطر جمع‌آوری می‌شدند که این عمل بیشتر به یک بسیج عمومی شبیه بود تا یک ارتش واقعی. برای جمع‌آوری و ساماندهی نیروهای نظامی شیوه کارآمد، بودجه، اعتبار و کارپردازی وجود نداشت. هزینه‌های امور نظامی نیز از راه‌های غیرقانونی که همواره به زیان مردم بود تأمین می‌شد. ارتش سنتی قاجار از تجهیزات نظامی و مدرن و پیشرفته بی‌اطلاع بود (مرادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۹). با آغاز قرن ۱۹ م و شروع تجاوزات روس‌ها به ایران و رقابت‌هایی که بین کشورهای فرانسه و انگلیس و روسیه در دست‌یابی به هند و پیشبرد سایر اهداف استعماری‌شان وجود داشت و به دلیل نیازی که ایران به حمایت

کشورهای قدرتمند در برابر روسیه احساس می‌کرد؛ روابط با انگلیس و فرانسه دوباره و این بار پررنگ‌تر از سابق برقرار شد. در این میان آنچه به تحول ایران کمک کرد و سرآغاز اقدامات اصلاح‌گرانه در کشور شد، حضور هیئت‌های کارشناسی و نظامی این کشورها در پی توافقاتی دو جانبه‌ای بود که هرچند پس از مدتی کوتاه ناتمام می‌ماند، اما تأثیرات آن در دگرگونی نظام آموزشی کشور و آشنایی با شیوه‌های نوین آموزشی و همچنین علوم جدید بسیار اساسی بود. چنین بود که عباس میرزا ابتدا عده‌ای از افسران روسی را که به ایران پناهنده شده بودند برای تربیت سربازان منصوب کرد و خود نیز تحت آموزش‌های آنان قرار گرفت. سپس با حضور هیئت کارشناسان فرانسوی و پس از آن انگلیسی درصدد ایجاد قوای نظامی جدیدی برآمد (یحیایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۱). با آغاز جنگ‌های ایران و روسیه در اوایل دوره قاجار و شکست‌های پی‌درپی، فرسودگی نظام سیاسی - اجتماعی کهن ایران و به تبع آن سازمان لشگری آن آشکار گردید و از آن پس افرادی چون عباس میرزا و نایب‌السلطنه، میرزا عیسی معروف به قائم‌مقام و ابوالقاسم فراهانی درصدد برآمدند تا با استخدام مربیان و کارشناسان نظامی اروپایی و استفاده از دانش نظامی آنها در سازمان و تشکیلات لشگری کشور اصلاحات لازم را به عمل آوردند (سپهر، ۱۳۷۷: ج ۱، ۹۸). ارتش ایران در این دوران بیشتر بر پایه سواره‌نظام شکل گرفته بود، سواره‌نظام همواره در ایران بیشتر از پیاده‌نظام مورد استفاده بوده و ارزش بیشتری داشته و کارایی آن در جنگ‌ها بهتر بوده است. فابویه که به همراه هیئت اعزامی ژنرال گاردان وارد ایران شده در خصوص سواره‌نظام می‌نویسد: در ارتش ایران تنها عنصری که متوسط است سواره‌نظام است. سواران ایرانی هرچند که اسلحه خوب ندارند، خوب می‌جنگند و با دقت کامل حرکت می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت که پایه و اساس ارتش سنتی ایران در دوره قاجار بر سواره‌نظام استوار بوده است. این در حالی است که سواره‌نظام ایرانی از میان افراد عشایری و روستاها فراخوانده می‌شدند و بدون تعلیم و آموزش جنگی به جبهه‌های جنگ روانه می‌شدند (مرادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷). ارتش نوین ایران در دوره ابتدایی قاجار شکل گرفت و دارای

درجات خاصی بود. ساختار ارتش نظامی ایران در دوره قاجار بر سه اصل پیاده‌نظام، سواره‌نظام (نیروی ایلیاتی) و توپخانه و قورخانه استوار بود (فرهمند، ۱۳۸۴: ۲۹۵). هریک از این بخش‌ها دارای تشکیلات مخصوص خود بودند که در دوره‌های مختلف قاجار متفاوت است (خانی زاده و حسن‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۶). در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی به ایران به مراتب سلسله قشون و طبقات نظامی ارتش ایران اشاراتی شده است. به طور مثال اولیویه که در زمان فتحعلی شاه از طرف فرانسه به ایران آمده بود در خاطرات خود در بازدید از ارتش ایران نوشته است: مین باشی کسی است که هزار نفر به وی سپرده شود. پنجه باشی پانصد و گاه پنجاه نفر را در زیردست خود دارد. یوزباشی کسی است که یک دسته صد نفر دارد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۸۹). سربازان ایران در شبیخون زدن و تدارک حملات ناگهانی بسیار ورزیده بودند و سپاه ایران به شرط داشتن فرماندهانی مصمم از عهده حریفانش برمی‌آمد (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۰). در سراسر جنگ‌های ایران و روسیه همواره حملات برق‌آسای سواره‌نظام ایران بهترین عملکرد نبرد سپاهیان سنتی‌اش بوده و ضعف عمده آنها در گرفتن یا پس گرفتن قلاع جنگی بوده است و هر جا که شکست نصیبشان شد از این بابت بود (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۱).

نوسازی ارتش و سازمان نظامی ایران به امری لازم تبدیل شده بود. یکی از مهم‌ترین افراد در این گروه از اصلاح‌گران، عباس میرزا نایب‌السلطنه بود، فتحعلی شاه در ذی‌الحجه سال ۱۲۱۳ ه.ق چهارمین پسر خود یعنی عباس میرزا را به ولیعهدی برگزید و او را آذربایجان فرستاد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). ارتباط میان ایران و غرب در شرایطی اتفاق افتاد که غرب مجهز، پیشرفته، نیرومند و مسلح در یک سو و در سوی دیگر ایران، درمانده، ناآگاه و ضعیف بود. نخستین سطح از تأثیرات آشنایی با غرب در دوره قاجار عبارت بود از نمایش ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌های عمیق جامعه ایران در مقابل اروپا. این پدیده به دنبال نخستین جنگ‌های ایران و روس در دهه نخست قرن نوزدهم اتفاق افتاد. یک دهه جنگ با امپراتوری نیمه اروپایی روسیه به یک‌باره دو قرن پیشرفت اروپا را در مقابل چندین قرن رکود ایرانیان قرار داد. در این میان عباس میرزا و

ایرانیان دریافتند که سبک جنگیدن تغییر یافته و مقولاتی همچون طرح، نقشه، استراتژی، لجستیک، توپخانه متحرک، یونیفرم، پشتیبانی نظامی و سازمان نظامی مدرن از الزامات جنگیدن به شیوه مدرن است (قراگوزلو، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳). استفاده سلاطین عثمانی یا خدیوان مصر از فناوری‌های جدید نظامی اروپایی، الگویی مناسب برای دربار کوچک و اصلاح‌طلب عباس میرزا در تبریز فراهم کرده بود. شاهزاده اصلاح‌طلب با تقلید آگاهانه از فرآیند مشابه اصلاحی که در امپراتوری عثمانی در دوران حکومت سلطان سلیم سوم وجود داشت برنامه اصلاحات نظامی را تحت عنوان نظام جدید آغاز کرد. نظام جدید درست مانند امپراتوری عثمانی شامل آشنایی با فناوری نظامی اروپا و روش‌های جدید تربیت سربازان می‌شد. آگاهی او از پیروزی‌های انگلیسی‌ها در هندوستان و سقوط آسان مصر به دست ارتش ناپلئون در سال ۱۷۸۹ م/۱۲۱۳ ق. عزم وی را در ارتقای دفاعی کشورش راسخ‌تر می‌نمود. به‌ویژه شکست مملوک‌های مصری به دست فرانسویان، عباس میرزا را نسبت به جذب فنون نظامی اروپایی متقاعد کرد (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۰). عباس میرزا قاجار مانند همسایه تضعیف شده خود احتیاجات نظامی‌اش را در قالب سپاه بزرگ چندمنظوره‌ای بر اساس نظام جدیدی که از اروپاییان اقتباس شده بود، سازمان‌دهی می‌کرد. البته سلطان سلیم سوم با ارسال هیئتی خواستار اتحاد بر ضد روس‌ها شده بود که با ترور او طرح این اتحاد نظامی عقیم ماند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۱). هسته اصلی ارتش قاجار را شش هزار نظامی که مقرری منظم دریافت می‌کردند تشکیل می‌داد. آنان مجهز به توپخانه متحرک و سلاح‌های جدید بوده و لباس متحدالشکل به تأثیرپذیری از اروپاییان می‌پوشیدند. در پادگان‌ها ساکن بودند و توسط افسران اروپایی آموزش می‌دیدند. عباس میرزا برای تجهیز ارتش، کارخانه توپ و تفنگ‌سازی دایر نمود و گروهی از محصلین ایرانی را برای آموزش رشته‌های کاربردی چون علوم نظامی، مهندسی، تفنگ‌سازی، پزشکی، چاپ و زبان‌های مدرن و هنر به اروپا فرستاد. وی سعی نمود که نظر مساعد علما را به نظام جدید جلب نماید و با ایجاد تعرفه‌های حمایتی و تحریم استفاده از پارچه‌های خارجی از صنایع داخلی ایران حمایت نماید. تأسیس

اداره ترجمه و ایجاد دفاتر دائمی نمایندگی ایران در پاریس از دیگر اقدامات او بود (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های پی‌درپی ایرانیان چشمان عباس میرزا را به روی دنیای دیگری گشود. به گفته الگار، عباس میرزا و مشاور دانشمند او قائم‌مقام فراهانی با پی بردن به دلایل شکست ایرانیان در صدد جبران آن برآمدند. در این راه ابتدا قوای نظام مدرنی به نام نظام جدید بر اساس الگوی ارتش‌های نوین اروپایی ایجاد شد. همچنین نخستین دسته از محصلین ایرانی برای فراگیری علوم و فنون جدید مانند پزشکی، داروسازی، چاپ، توپ‌ریزی، آموزش‌های زبان‌های اروپایی و فنون نظامی راهی اروپا شدند. به علاوه عباس میرزا تلاش داشت تا در تبریز توسط مسیونرهای مذهبی مدارس جدید ایجاد کند که مسلمانان و مسیحیان با هم در آنجا به تحصیل بپردازند (باباپور، آقازاده، ۱۳۹۲: ۲۹۰). عباس میرزا بزرگ‌ترین شخصیت در دوران قاجار است. او مردی شجاع، میهن‌دوست، ثابت‌قدم بود و از صفات عالی اخلاقی بهره داشت. یکی از نویسندگان خارجی آن زمان وی را شریف‌ترین فرد این دربار معرفی کرده است (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). عباس میرزا در رشد و پیشرفت ایران در دوره قاجار و ارتباطات سیاسی این دوران و پیشرفت آن نقش مؤثری داشت. از جمله کارهای مفید این دوران ترجمه تعدادی زیاد کتاب از زبان‌های خارجی به زبان فارسی بود. اگرچه به علت احتیاجی که سپاه آذربایجان و دستگاه لشگری و تدافعی ولیعهد به کتب فنی و نظامی داشتند، در این دوران اغلب ترجمه‌ها، کتاب‌های نظامی و علمی است، ولی تعدادی کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و سفرنامه نیز به فارسی ترجمه شد. مترجمین در این دوران احوال ملل اروپایی را ترجمه و ایرانیان را با آن آشنا می‌کردند. برای نمونه می‌توان به عبداللطیف شوشتری در کتاب «تحفة العالم» به تاریخ ۱۲۱۶ ه.ق و آقا محمد کرمانشاهی در مرآت‌البلدان جهان‌نما در ۱۲۲۴ ه.ق تألیف یافته و میرزا محمد صالح شیرازی در سفرنامه فرنگستان خود در ۱۲۳۰-۱۲۳۵ ه.ق در باب ممالک جدید دنیا و احوال سلاطین آن اشاره کرد که به ایران آورده و ترجمه شد (راوندی، ۲۵۳۶: ۵۳۲). آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روس در حالی که اصلاحات نظامی به ثمر

نشسته بود تیر خلاصی بر اصلاحات عباس میرزا بود. با شکست‌های ایران در دور دوم جنگ با روسیه قبل از آنکه عباس میرزا با مرگی زودرس از دنیا رود، نظام جدیدش در اثر تلاش‌های گسترده مخالفین نوسازی متلاشی شده و اندکی پس از مرگ شاهزاده به دست فراموشی سپرده شد. این شکست‌ها ضمن به تعویق انداختن جریان نوسازی، باور فتحعلی شاه به ادامه ساختار سنتی ارتش را تقویت کرد (قراگوزلو، ۱۳۸۶: ۳۰). به دنبال درگذشت عباس میرزا در ۱۸۳۳ م. / ۱۲۴۸ ق. بخش عمده برنامه اصلاحی او متوقف شد. نایب‌السلطنه هرگز موفق نشد شالوده‌های اصلاح بنیادی را پیریزی کند. او برخلاف همتایان خود در مصر و امپراتوری عثمانی از دستگاه حکومتی مقتدر و متمرکز یا وجوهات لازم برای پیشبرد اصلاحات برخوردار نبود. مخالفان قدرتمند و کمبودهای مالی دائمی دست‌به‌دست هم دادند و اصلاحات نظامی را از پا انداختند (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۶). ترسیم و تجسم صحنه‌های نظامی در نوشتار خارجی‌ان در مورد ایران به‌کرات به دلایل سیاسی و اهمیت این موضوع اشاره دارد. این موارد در نقاشی‌های نظامی دوره قاجار دیده می‌شود.

نقاشی نظامی در دوران فتحعلی شاه قاجار

نقاشی نظامی در دوران اول قاجار بسیار مهم تلقی می‌شود و در راستای اتفاقات نظامی این دوران است. جنگ‌های ایران و روسیه قدیمی‌ترین نقاشی‌های جنگی ایران در دوران قاجار است که با توجه به مطالبی که در ابتدای این پژوهش ذکر شد به اصلاحات عباس میرزا، آگاهی او به مدرن‌سازی ارتش نظامی ایران بازمی‌گردد. نقاشی‌های نظامی در این دوران همه متأثر از جنگ‌های واقعی ایران و روسیه است و نوعی مستندنگاری از وقایع تاریخی به شمار می‌رود و امروزه بیشتر این نقاشی‌ها و بخصوص نقاشی ارزشمند پیروزی سلطان‌آباد در موزه‌های روسیه نگه‌داری می‌شود. این تصاویر نظامی سفارشی بوده و آرایش لباس سربازان، هیئت آموزش‌دهنده خارجی، شاه و عباس میرزا و آرایش نظامی سپاه ایران را نشان می‌دهد.



تصویر ۱- فتحعلی شاه بالباس نظامی و زره، مهرعلی، ۱۸۱۴-۱۸۱۵، (Raby, 1998: 186).



تصویر ۲- بازدید فتحعلی شاه از ارتش ایران با حضور عباس میرزا، هنرمند نامشخص، سده ۱۹ م،

رنگ‌روغن روی بوم.
(Raby, 1998: 201).

چنانچه در تصاویر دیده می‌شود، تصویر ۱ فتحعلی شاه را با لباس نظامی نشان می‌دهد و تصویر ۲ یکی از مهم‌ترین سندهای نقاشی نظامی ایران در روسیه است که ارتش ایران و بازدید فتحعلی شاه را نشان می‌دهد. در این نقاشی عباس میرزا ولیعهد در مقابل پدرش به خاک افتاده و در حال احترام است. فتحعلی شاه بزرگ‌تر از باقی پیکره‌ها تصویر شده است. نظم و آرایش

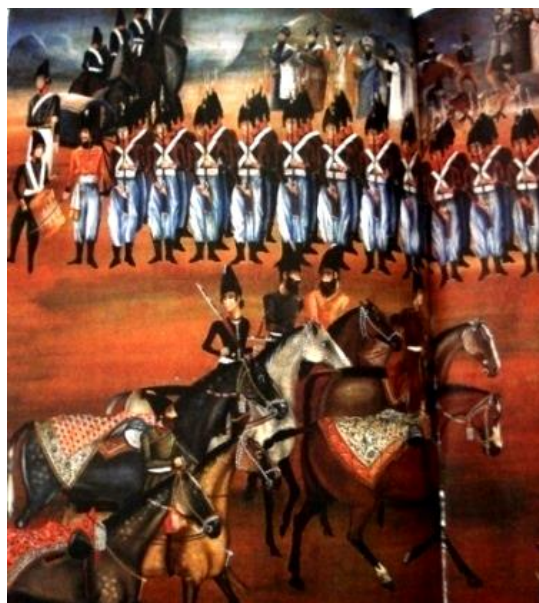
سواره‌نظام و پیاده‌نظام ایران دیده می‌شود و هیئت اروپایی با لباس نظامی در حال آموزش سپاه ایران هستند.



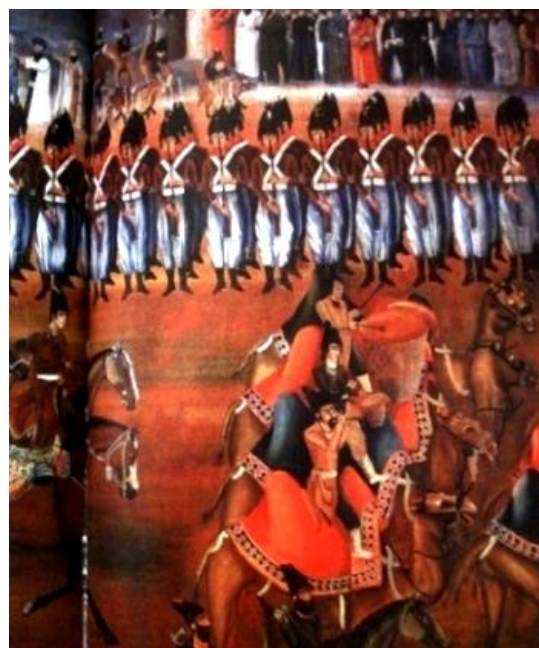
تصویر ۳- صحنه به خاک افتادن و احترام عباس میرزا به فتحعلی شاه، جزی از اثر.



تصویر ۴- تصویر یک ژنرال انگلیسی در حال آموزش، بخشی از اثر.



تصویر ۵- صحنه طبل نوازی و احترام به فتحعلی شاه، جزئی از اثر.



تصویر ۶- صحنه علما و روحانیون یعنی تأیید اختربین در شروع جنگ، سربازان ایرانی در حال آموزش، جزئی از اثر.

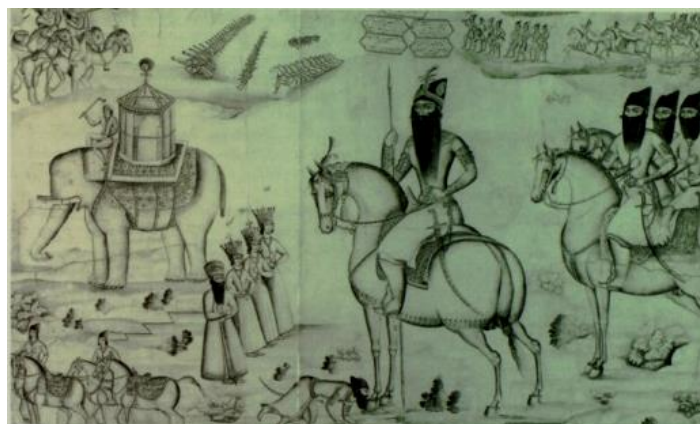


تصویر ۷-: صحنه سربازان در حال احترام به فتحعلی شاه، جزئی از اثر.



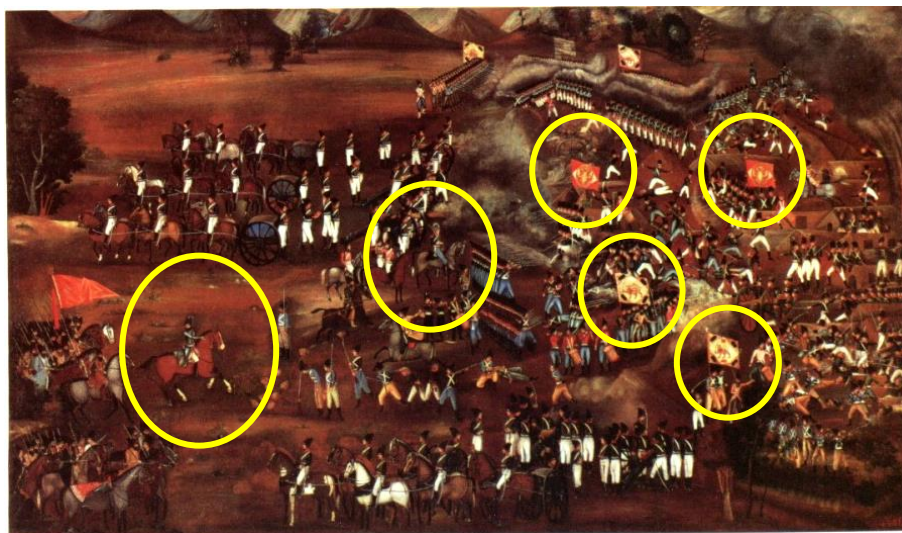
تصویر ۸-: صحنه مارش و احترام به فتحعلی شاه، جزئی از اثر.

تصاویر ۳ الی ۸ به نمایش جزییات تصویر می‌پردازد و سربازان ایرانی، هیئت آموزش‌دهنده، آرایش سواره‌نظام ایرانی، بازدید شاه و حضور ولیعهد برکنار او را نشان می‌دهد.



تصویر ۹- بازدید نظامی فتحعلی شاه و حسینعلی میرزا، هنرمند نامشخص، جوهر روی کاغذ، موزه ارمیتاژ (آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

تصویر ۱۰ نقاشی نظامی و سند مهمی است که در روسیه نگهداری می‌شود. در این تصویر ارتش ایران در دوردست دیده می‌شود که با موضوع بازدید نظامی فتحعلی شاه از ارتش ایران در دوران اول قاجار است که بر اهمیت نقش شاه در رهبری ارتش ایران تأکید دارد.



تصویر ۱۰- نبرد عباس میرزا با روس‌ها، ۱۸۱۶-۱۸۱۵ م، هنرمند نامشخص، موزه ارمیتاژ، در بخش چپ، عباس میرزا، در قسمت بالای نقاشی چپ: پرچم روسیه، پایین پرچم ایران، در مرکز هدایت کننده ارتش ایران سرباز انگلیسی در نقاشی مشخص شده است. . (Raby, 1998: 201)

این نقاشی یکی از سندهای مهم تاریخی ایران است. در این نقاشی که بیانگر شکست پیاده‌نظام روسیه از ارتش ایران در تاریخ ۱۸۱۲ م در نزدیکی سلطان‌آباد است. در سمت چپ تصویر (۱۰) عباس میرزا دیده می‌شود که سوار بر اسب در حال راهنمایی سواره‌نظام ایران است. در سمت راست نقاشی، ارتش اردوگاه ارتش روسیه با پرچم این کشور که نشان عقاب دارد، دیده می‌شود. پرچم شیر و خورشید ارتش ایران در پایین سمت چپ تصویر دیده می‌شود که ارتش روسیه را محاصره کرده است. در نقطه مرکزی تصویر صاحب‌منصب انگلیسی و فرمانده سپاه ایران در جنگ مقابل روسیه دیده می‌شود که عهده‌دار آموزش ارتش ایران است. این نقاشی تنها سند تصویری جنگ پیروزی ایران در مقابل روسیه به رهبری عباس میرزا در نبرد سلطان‌آباد در ۱۳ فوریه ۱۸۱۲ م می‌باشد. این تابلو در قصر عباس میرزا بخشی از نقاشی تزیینات قلعه اوجان بوده است که در سال ۱۸۲۸ م توسط روسیه به عنوان غنیمت جنگی به قصر زمستانی سن پترزبورگ انتقال داده شد.



تصویر ۱۱- ولیعهد عباس میرزا و همراهان، الله‌وردی افشار، ۱۸۱۶-۱۸۱۵ م.
(Raby, 1998: 199).

در تصویر ۱۱ ولیعهد عباس میرزا در حال بازدید از میدان‌های جنگی ایران دیده می‌شود. در جدول شماره ۱ ویژگی‌های نقاشی‌های نظامی دوره اول قاجار خلاصه می‌شود.

جدول ۱. مطالعه ویژگی‌های تصاویر نظامی دوران اول قاجار همراه با تصویر شاه و ولیعهد.

موضوع نظامی در دوره اول قاجار	نوع نقاشی	شاه/ولیعهد	ویژگی	تصویر
درباری	نقاشی رنگ‌روغن روی بوم	تصویر فتحعلی شاه و عباس میرزا	سربازان، چادرها، پیاده‌نظام در دوردست طبیعت آموزش نظامی ایرانیان توسط اروپاییان	
درباری	نقاشی رنگ‌روغن روی بوم	تصویر عباس میرزا	نبرد واقعی سربازان ایرانی و روس سربازان، چادرها، پیاده‌نظام در دوردست طبیعت	
درباری	طراحی مرکب روی کاغذ	تصویر عباس میرزا	تصویر عباس میرزا و شاهزاده حسینعلی میرزا	
درباری	نقاشی رنگ‌روغن روی بوم	تصویر عباس میرزا	پیاده‌نظام، سواره‌نظام، اردوگاه‌های ارتش	

(منبع نگارنده: ۱۴۰۰).

ارتش ایران در دوران ناصرالدین شاه قاجار

هرچند اصلاحات عباس میرزا در دوره خودش ناکام ماند، اما اقدامات وی راهگشای کنشگران دیگری در این زمینه بود که با اتخاذ الگوهای نوسازی

عباس میرزا سعی در ادامه راه او در زمینه بنیادین ارتش نوین داشتند. تلاش‌هایی که در دوره امیرکبیر، سپهسالار و امین‌الدوله دنبال شد (ملکشاهی، حسنی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). میرحسین یکرنگیان در کتاب «سیری در تاریخ ارتش ایران» می‌گوید: به این منظور و برای بهبود ضعف‌های موجود، عباس میرزا چند تن از ایرانیان را برای فراگیری علوم و فنون جدید به اروپا اعزام کرد و افزون بر آن از مستشاران خارجی، از جمله ژنرال گاردان فرانسوی، برای آموزش نظامیان ایران دعوت به عمل آورد. در اقدامی بنیادین‌تر، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه تأسیس مدرسه دارالفنون را در سال ۱۲۶۶ ه.ق برای تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور آغاز کرد. کامران میرزا نایب‌السلطنه و فرزند دوم ناصرالدین‌شاه که مسئولیت وزارت جنگ ایران به عهده داشت، در سال ۱۳۰۳ ق مدرسه نظام دیگری مانند دارالفنون بنا نهاد. این مدرسه تا اوایل انقلاب مشروطیت فعال بود و سرانجام به مدرسه کادت تبدیل شد (باباپور، آقازاده، ۱۳۹۲: ۲۹۰). در دوران دوم قاجار، ارتش ایران مدیون خدمات نظامی میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود، امیر از فنون نظامی سررشته داشت و با همکاری نظامیان فرنگی به تشکیل قشون تازه‌ای پرداخت که از لحاظ نظم و ترتیب تا آن زمان در دوران قاجار نظیر نداشت. دست سفرای روس و انگلیس را از دخالت در امور داخلی ایران کوتاه کرد و سفارتخانه‌ها و خانه‌های علما و رجال را از حالت بست بودن خارج ساخت (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در موقع رسیدن امیر به تهران، سپاه ارتش ایران، اگرچه در اسم چهار هزار نفر بود، لیکن عده موجود از سیصد تن تجاوز نمی‌کرد. امیر که خود سپهسالار کل نظام ایران یعنی امیرنظام بود و در زمان عباس میرزا در آذربایجان با فنون نظامی آشنایی یافته بود، به‌سرعت به اصلاح نیروی نظامی توجه کرد و لشکریانی با سپاه منظم با همکاری اروپاییان پرداخت و بر شورشیان ولایات غالب شد. ساختن تفنگ و آلات جنگی و لوازم لشگریان در ایران معمول کرد و استادان ایرانی را با دادن مساعده و تشویق به تقلید کارهای اروپایی در این زمینه واداشت (راوندی، ۲۵۳۶: ۵۰۶-۵۰۸). میرزا تقی‌خان امیرکبیر با انجام یکسری اصلاحات در نحوه آرایش نیروهای پیاده و

سواره نظام، تقویت توپخانه، حذف اخذ سیورسات از زارعین، تغییر الگوی سربازگیری، متحدالشکل کردن لباس‌ها، تأسیس قراول خانه، ساخت انواع سلاح و همچنین تأسیس دارالفنون موفق شد تحولی شگرف و اساسی در ارتش ایران به وجود بیاورد (رضاعلی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). کامران میرزا نایب‌السلطنه فرزند دوم ناصرالدین‌شاه که برای مدتی وزارت جنگ را بر عهده داشت با تأسیس مدرسه نظام در سال ۱۳۰۳ ه.ق و استفاده از مستشاران اتریشی در مسیر این اصلاحات گام برداشت (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۸۲). به طور کلی می‌توان گفت به استثنای دوره ولایت‌عهدی عباس میرزا نایب‌السلطنه و ایام صدارت قائم‌مقام‌ها و امیرکبیر که برای تقویت بنیه نظامی کشور اقدامات تقریباً خوبی انجام شد، در سایر دوره‌ها تا سقوط سلسله قاجار، سازمان نظامی کشور به‌مانند سایر سازمان‌ها و نهادهای کشوری مورد بی‌مهری و بی‌توجهی دولت‌مردان قاجار قرار گرفت و هرگز اقداماتی بنیادی که در پرتو آن ایران بتواند صاحب ارتشی مقتدر، منضبط و منسجم گردد اجرا نگردید (خانی زاده، ۱۳۸۸: ۲). ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به اروپا در سال ۱۸۷۸ م تحت تأثیر رژه قزاق‌های روسی و ظاهر آراسته آنها از تزار خواست تا با فرستادن چند تن از افسران قزاق نیرویی شبیه به آنها در ایران تشکیل دهد. روس‌ها که همیشه در صدد افزایش نفوذ خود در ایران بودند از این مسئله استقبال و افرادی را برای آموزش به ایران برای آموزش اعزام کردند (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۰۱). هرچند بر اساس قانون، نیروی قزاق تحت نظر وزارت جنگ بوده و حقوق آنها به صورت منظم پرداخت می‌شد، اما در عمل فرمانده بریگاد قزاق تصمیم‌های خود را پس مشورت با سفارت روسیه در تهران و ستاد ارتش روسیه در قفقاز اجرا می‌کرد. وظیفه اولیه قزاق‌ها در ابتدا برقراری نظم در پایتخت و حفاظت از قصرهای سلطنتی بود، اما پیوند با منافع روسیه موجب شد تا این نیرو ضامن تضمین قدرت قاجاریه (به دلیل سیاست روسیه در این زمینه) و حتی در مواردی عامل سرکوب مخالفین نیز باشد (سینایی، ۱۳۸۴: ۲۱۲).

نقاشی نظامی در دوران ناصری

حوزه تصویری نقاشی نظامی در دوران ناصرالدین شاه پررنگ‌تر از دوران فتحعلی شاه است. تصاویر ناصرالدین شاه با توپ به صورت مستقل که سفارش دربار به نقاش‌باشی‌ها بوده نشان می‌دهد که شاه این امر را دلیلی بر نمایش قدرت خود تلقی می‌کرده است. در دوران ابتدایی نقاشی‌های نظامی وقایع تاریخی را نشان می‌داده است، ولی در دوره دوم نمایش قدرت شاه در مقابل همسایگان نیز مطرح بوده است. در این دوران تصاویر سربازان ایرانی با تفنگ، توپ و پیاده‌نظام در سر در دروازه‌ها، حمام‌ها و کاخ‌ها و خانه‌ها درباری ما را با لباس و آرایش نظامی سربازان دوران ناصرالدین شاه آشنا می‌کند. بهترین نمونه درباری نقاشی جنگی دوران ناصری اثر میدان مشق منسوب به محمدحسن افشار است که در موزه ملک نگهداری می‌شود و شباهت‌های بسیاری با نقاشی‌های نظامی دوره اول قاجار دارد. در این نقاشی در دوردست نظامیان و در جلو تصویر شاه و ولیعهد و سپهسالار دیده می‌شوند. در تصاویر دوره دوم شاه با لباس و یونیفرم غربی دیده می‌شود. حضور ولیعهد در نقاشی‌های نظامی مانند دوره اول قاجار فعال نیست و فقط در نقاشی میدان مشق دیده می‌شود. بهترین و تنها نمونه نقاشی نظامی که سپاه ایران مانند دوره اول با آرایش کامل دیده می‌شود تابلوی میدان مشق منسوب به محمدحسن افشار ارومی، نقاش‌باشی لال است. تمامی تصاویر صورت سربازان با یکدیگر متفاوت نقاشی شده است و آرایش و نظم سپاه ایران و توپ و تفنگ و ادوات جنگی به خوبی دیده می‌شود و از نمونه‌های درخشان نقاشی نظامی ایران در دوران دوم قاجار است.



تصویر ۱۲- ناصرالدین شاه جوان ایستاده کنار توپ نظامی، اثر میرزا بابا حسینی، ایران، تهران ۱۸۵۰ م. (Raby, 1999: 65).



تصویر ۱۳- ناصرالدین شاه و توپ نظامی و دوربین تک چشمی جواهر نشان، منسوب به هاکوپ اوتانیان تفلیس یا تبریز ۱۸۶۰-۱۸۷۰ م، رنگ روغن روی مقوا (Raby, 1998: 246) در این تصویر نشان مرصع، تمثال حضرت علی ع، دوربین چشمی جواهر نشان به چشم می خورد (قاضی ها، ۱۳۹۴: ۲۴۱).

تصاویر ۱۲-۱۳ ناصرالدین شاه جوان را در سال های ابتدایی سلطنت در کنار توپ نظامی نشان می دهد ولی در تصویر ۱۴ که بهترین سند ارتش نظامی

ایران در دوره ناصری قاجار است او را قبل از سفر به اروپا در میدان مشق و آموزش نظامی اروپاییان به سربازان ایرانی در این دوران نشان می‌دهد. در این تصویر شاه و ولیعهد و سپهسالار بزرگتر و در پلان جلوی تصویر با لباس نظامی تصویر شده‌اند. در پیش‌زمینه ارتش ایران در حال آموزش دیده می‌شوند. واقع در این نقاشی به رخ کشیدن قدرت نظامی ایران، حضور ولیعهد به عنوان جانشین و سپهسالار به عنوان ناظر بر قدرت در غیاب شاه در زمان سفر به صورت تلویحی یادآوری می‌کند.



تصویر ۱۴- میدان مشق، بازدید ناصرالدین‌شاه، سپهسالار و ولیعهد از نیروی نظامی در میدان مشق، رنگ‌روغن، منسوب به محمدحسن افشار ارومی (نقاش باشی لال). URL1

جدول ۲. مطالعه تصاویر نظامی ناصرالدین‌شاه در دوره دوم قاجار.

موضوع نظامی در دوره دوم قاجار	نوع نقاشی	شاه/ولیعهد	ویژگی	تصویر
درباری	نقاشی روی بوم	ناصرالدین‌شاه جوان	شاه بالباس نظامی تکیه داده به توپ جنگی	

موضوع نظامی در دوره دوم قاجار	نوع نقاشی	شاه/ولیعهد	ویژگی	تصویر
درباری	نقاشی روی بوم	ناصرالدین شاه در ابتدای سلطنت	شاه بالباس ایرانی تکیه داده به توپ جنگی دوربین تک‌چشمی جواهرنشان	
درباری	نقاشی روی بوم	ناصرالدین شاه / ولیعهد و سپهسالار	نمایش قدرت نظامی صلابت شاه - معرفی ولیعهد تأیید وزیر	

(منبع نگارنده: ۱۴۰۰).

مطالعه تفاوت و شباهت‌های نقاشی‌های نظامی در دوران اول و دوم قاجار

نقاشی صحنه‌های نظامی در هنر دوران قاجار از ابتدای این دوران تا دوران ناصرالدین شاه به کرات تکرار می‌شود و بر اهمیت این موضوع حکایت دارد. در دوره اول در تصاویر نظامی فتحعلی شاه و ولیعهد عباس میرزا نایب‌السلطنه در بازدید از تجهیزات و پیاده‌نظام و نبردهای جنگی دیده می‌شود. چنانچه ذکر شد تصاویر نظامی دوران اول بیشتر ثبت وقایع تاریخی و جنگ‌های واقعی این دوران بوده و حائز اهمیت تاریخی و نظامی است که مهم‌ترین نمونه آن جنگ سلطان‌آباد است. این جنگ تنها پیروزی ایران بر روسیه را به رهبری عباس میرزا نایب‌السلطنه نشان می‌دهد، این تابلو نقاشی پس از نزدیک دو‌یست سال در روسیه رونمایی شد. وجود نقاشی‌های نظامی در هر دو دوره نشان از اهمیت نمایش قدرت ارتش، مدرن‌سازی ارتش در دو دوران قاجار و به رخ کشیدن ارتش نظامی ایران به هم‌تایان خارجی، ثبت در تاریخ به‌عنوان سند تاریخی، ثبت بازدیدهای شاه از ارتش ایران و نمایش قدرت نظامی و سرپرستی آن

به وسیله شاه می‌باشد که بارها توسط نقاشان دربار و نقاش‌باشی‌های قاجار در هر دو دوره ثبت شده است. موضوع نقاشی‌های نظامی بین هر دو دوره مشترک بوده ولی در عین حال دارای تفاوت نیز می‌باشد. در نقاشی‌های نظامی دوره اول قاجار، نقاشی مانند دوربین عکاسی، برای ثبت وقایع و حوادث تاریخی و نوعی مستند نگاری عمل می‌کرده است. در این نقاشی‌ها سربازان با یونیفرم نظامی غربی تصویر شده و در دوردست در حال نبرد هستند. از مسائل مهم نظامی در دوره اول قاجار بازسازی ارتش ایران است که سعی شده در نقاشی‌ها با دقت تصور شود و دقت تصاویر جنگی نشان می‌دهد که نقاش در جنگ حضور داشته و نقاشی را از وی تصاویر واقعی تهیه کرده است. موضوع مشترک در تصاویر نظامی در هر دو دوره، حضور شاه و ولیعهد در بازدید نظامی از صحنه‌های نبرد است که غیرمستقیم به رهبری و قدرتمندی شاه و تأکید بر قدرت ولیعهد پس از او اشاره دارد. یکی از مسائلی که در تاریخ ایران از دیرباز با آن رویارو بوده مسئله جانشینی بوده است. در تاریخ ایران مسئله جانشینی و پیامدهای برخاسته از آن تا چه اندازه می‌توانست جدی باشد. حکومت قاجار نیز مانند دوره‌های پیشین در کسب قدرت، مشروعیت بخش بود و چون قاعده‌ای منسجم برای جانشینی وجود نداشت و پس از مرگ شاه، مدعیان گوناگونی از نقاط مختلف کشور ظهور می‌کردند و با ادعای جانشینی، روند، استقرار قدرت ولیعهد قانونی و پادشاه جدید را با چالش روبرو می‌کردند. ظهور هم‌زمان چندین مدعی سبب می‌شد تا ساختار سیاسی اغلب شکننده و لرزان باشد و شیخ بحران همواره سایه‌گستر آن باشد. در این شرایط مبهم سیاسی، نقش نهاد وزارت بسیار تعیین کننده بود. در دوره قاجار این نهاد به عنوان نیرویی مؤثر شاه را در رفع موارد جانشینی و غلبه بر مدعیان قدرت یاری می‌کرد و در عمل به ثبات نظام سیاسی کمک می‌نمود (مصلی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶۹). چنانچه مشخص می‌شود مسئله به قدرت رسیدن ولیعهد پس از مرگ شاه از دغدغه قاجاریان بوده است که این امر در نقاشی‌های نظامی به صورت تاریخی نیز دیده می‌شود و حضور ولیعهد به عنوان جانشین شاه پس از او

تأکید شده و این موضوع را یادآور می‌شود. این موارد در جدول شماره ۳ طبقه‌بندی می‌شود.

جدول ۳. مطالعه تطبیقی صحنه‌های جنگی دوره اول و دوم قاجار.

موضوع	دوره اول قاجار	دوره دوم قاجار	شباهت	تفاوت
جنگ	جنبه واقع‌گرایی داشته، بر اساس جنگ‌های ایران روسیه	جنبه نمادین برای نمایش قدرت نظامی	دارد	در دوره دوم مرتب‌تر و با دقت بیشتری تصویر شده است
شاه	بزرگ‌نمایی برای نشان دادن قدرت	بزرگ‌نمایی برای نشان دادن قدرت	دارد	ندارد
لباس شاه	لباس ایرانی	لباس ایرانی اوایل سلطنت و لباس اروپایی و یونیفرم غربی تا آخر سلطنت	دارد	دارد تنوع لباس ناصرالدین شاه بیشتر است
تصویر ولیعهد	تصویر ولیعهد در نقاشی نظامی با تأکید بر مشروعیت ولیعهد سلطنت	تصویر ولیعهد در نقاشی نظامی با تأکید بر مشروعیت ولیعهد سلطنت	دارد	ندارد
سربازان	لباس غربی	لباس غربی	دارد	ندارد
تصاویر مستقل جنگی	دارد تصویر فتحعلی شاه بالباس نظامی	دارد تصویر ناصرالدین شاه بالباس نظامی / بالباس ایرانی / یونیفرم غربی	دارد در هر دو دوره تصویر شاه به‌عنوان رهبری قدرتمند دیده می‌شود	ندارد در دوره دوم بیشتر است
ادوات جنگی	دارد فتحعلی شاه بالباس رزم	دارد ناصرالدین شاه دو مورد کنار توپ	ندارد کلاه‌خود و لباس نظامی در دوره اول	ندارد
پس‌زمینه	دارد سربازان در حال نبرد و آموزش	دارد سربازان در حال نبرد و آموزش	دارد	ندارد

(منبع نگارنده: ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

لزوم داشتن ارتش و قوای نظامی برای دفاع در مقابل دشمنان خارجی و داخلی و دفاع از تمامیت ارضی کشور اهمیت بسیاری دارد. ساختار نظامی ایران در

دوره قاجار در دوره فتحعلی شاه و ولیعهدی عباس میرزا اقداماتی در زمینه نوسازی ارتش ایران و استفاده از متخصصان اروپایی برای تجهیز ارتش ایران به کار گرفت. در نوسازی ارتش ایران در دوره دوم یعنی ناصرالدین شاه و با اقدامات میرزا تقی خان امیرکبیر این راه ادامه پیدا کرد و در دارالفنون و پس از آن در مدرسه نظامی کامران میرزا مدرسه نظامی دیگری در تهران شکل گرفت. نقاشی در دوران قاجار به عنوان ابزاری برای نشان دادن قدرت شاه و ابزاری سیاسی در خدمت دربار کاربرد داشت. شاهان قاجار با آگاهی از ارزش سیاسی هنر و استفاده از آن در سیاست‌های داخلی و خارجی قاجار، از نقاشی‌های نظامی نیز به عنوان بخش مهمی از نقاشی پیکرتگاری درباری استفاده کردند. در دوره ابتدایی قاجار این نوع نقاشی به عنوان سند وقایع تاریخی در جنگ‌های ایران و روسیه، به ثبت وقایع درنبرد واقعی پرداخته است و بهترین نمونه آن نقاشی نبرد سلطان آباد و تنها پیروزی ایران در جنگ با روسیه در دوران قاجار است که به عنوان یک اتفاق بسیار مهم نقاشی شده است. در دوره دوم قاجار نقاشی‌های نظامی بیشتر برای نمایش شکوه نظامی ایران بوده است. در هر دو دوره آرایش نظامی، سواره‌نظام، پیاده‌نظام، آموزش سربازان، لباس و فرم پوشش دیده می‌شود. مسئله جانشینی به عنوان یک مسئله مهم در تاریخ ایران در نقاشی هر دو دوره دیده می‌شود که ولیعهد را به عنوان نایب‌السلطنه مشروع سلطنت در بستر فرهنگ سیاسی ایران معرفی می‌کند. مجموع این عوامل نشان می‌دهد شاهان قاجار برای حفظ قدرت خود، به مسائل نظامی و نمایش قدرت شاه و ولیعهد در تصاویر توجه نشان داده و آن را در نقاشی نظامی تأکید می‌کرده‌اند. در نتیجه فرضیه پژوهش تایید می‌شود. این نوع نقاشی از اهمیت اساسی در هر دو دوره برخوردار بوده است. چشم‌انداز قدرت نظامی ایران در نقاشی‌ها با حضور شاه و ولیعهد و سربازان و آموزش آنان از موضوع‌های مهم نقاشی نظامی در دوره قاجار بوده است.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۹۲)، نگارگری ایران، ج ۲، تهران: سمت.
- آدامووا، آ.ت. (۱۳۸۶)، نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمه زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۱)، هنرمند ایرانی و مدرنیسم، تهران: دانشگاه هنر.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، سفرنامه (تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه)، ترجمه محمد طاهر میرزا، به تصحیح و با حواشی دکتر غلامرضا وره‌رام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- باباپور، یوسف و آقازاده، مینا (۱۳۹۲)، رساله در آداب جنگ و قانون مشق نظام در ایران دوره قاجار، تألیف سرهنگ علیرضا یگانلو مرنندی (بر اساس نسخه خطی ۶۵۹، کتابخانه مجلس مجموعه کریم زاده تبریزی)، پیام بهارستان، ش ۲۱، صص ۳۴۴-۲۸۹.
- پنجه باشی، الهه (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی دو نقاشی از زنان در دوره قاجار با رویکرد بینامتنیت، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴، زمستان، صص ۴۵۳-۴۷۲.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۹)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: نارستان.
- جعفری جلالی، بهنام (۱۳۸۲)، نقاشی قاجاریه نقد زیبایی‌شناسی، تهران: کاوش قلم.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۲)، گرایش به غرب در هنر عثمانی، قاجار، هند، تهران: کارنگ.
- خانی زاده، مهدی و ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۹۴)، سازمان و تشکیلات داخلی قشون دوره قاجار با تکیه بر مجموعه حسن‌زاده‌ی موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی. فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و پنجم، دفتر سوم (۹۹): صص ۵۱-۲۸.
- خانی زاده، مهدی (۱۳۸۸)، نگاهی به اسناد نظامی دوره قاجار موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ش ۳، صص ۱۷-۱.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح: ناصر افشارفر، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خالقی، مجتبی (۱۳۹۴)، اصلاحات نظامی عباس میرزا نایب‌السلطنه، فصلنامه پارسه، سال ۱۵، ش ۲۵، صص ۷۸-۵۵.
- دل‌زنده، سیامک (۱۳۹۵)، تحولات تصویری هنر ایران بررسی انتقادی، تهران: نظر.

- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، تاریخ ده‌هزارساله ایران از سلسله افشاریه تا انقراض قاجاریه، ج ۴، تهران: اقبال.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱)، آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجار، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه تهران: ققنوس.
- راوندی، مرتضی (۲۵۳۶)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، تهران: نگاه.
- رضا قلی، علی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران: نی.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، تهران: امیرکبیر.
- سینایی، وحید (۱۳۸۴)، دولت مطلقه و نظامیان سیاست در ایران، تهران: کویر.
- علی‌زاده بیرجندی، زهرا و اکرم ناصری (۱۳۹۵)، پیوندهای هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن، باغ نظر، سال ۱۳، شماره ۴۲، صص ۶۷-۷۸.
- فلور، ویلم و چلکووسکی، پیتر و مریم اختیار (۱۳۸۱)، نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه، ترجمه یعقوب آژند، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- فرهمند، جلال (۱۳۸۴)، قشون دولت علیه ایران. نشریه تاریخ معاصر ایران، ش ۳۶، صص ۲۹۳-۳۱۶.
- فراگوزلو، ناصر (۱۳۸۶)، اصلاحات و تجدد در عصر قاجار، چاپ اول، بی‌جا.
- قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۹۴)، ناصرالدین‌شاه قاجار و نقاشی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- کشمیرشکن، حمید (۱۳۹۳)، کنکاشی در هنر معاصر ایران، تهران: نظر.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷)، ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران، ترجمه: غلامرضا بابایی، تهران: خجسته.
- کن‌بای، شیلا (۱۳۸۲)، نقاشی ایرانی، ترجمه: مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.
- گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸)، آینه خیال، تهران: سوره مهر.
- مرادی، مسعود و ملک شاهی، هاشم و خانی‌پور، سمیه (۱۳۸۸)، ساختار سنتی ارتش ایران در نیمه نخست دوره قاجار (آقا محمدخان، فتحعلی شاه، محمدشاه)، تاریخ ایران و اسلام، ش ۶، صص ۵۶-۲۹.
- ملک‌شاهی، هاشم و حسینی، سیده مرضیه (۱۳۹۵)، فرآیند تحولات نظامی ایران عصر فتحعلی شاه با تأکید بر اصلاحات نظامی عباس میرزا و پیامدهای آن، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال ۳، ش ۱۱، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: بنیاد.

- یحیایی، داود و ماهینی، فاخته (۱۳۸۸). جنگ‌های ایران و روس زمینه‌ساز تغییر رویکرد نظام آموزشی ایران، تاریخ تمدن اسلامی، ش ۹، صص ۱۷۴-۱۵۷.
- یکرنگیان، میرحسین (۱۳۸۴)، سیری در تاریخ ارتش ایران، تهران: خجسته.
- Diba, Layla and S-Ekhtiar, Maryam (1999). Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch 1785-1925 Hardcover, Brooklyn Museum of Art, Newyork.
- Raby, Julian (1998), Qajar Portraits: Figure Paintings from Nineteenth Century Persia (Azimuth Editions in Association With Iran Heritage Foundation), Azimuth Editions, Iran Heritage Foundation.
- میدان مشق، شماره اموال ۱۰۰۰۶۳، ۱۳۹۳، محمد حسن افشار (نقاش باشی لال)، ۴ متر و ۵۰ در ۲ متر و ۲۰ سانتی متر.
<http://malekmuseum.org/artifact/1393.01.00063>.